

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social	اجتماعی
--------	---------

فرستنده: ر. پیکار جو
۱۰ می ۲۰۱۴

اعلامیه سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان به مناسبت قربانیان لغزش زمین در آب باریک ولایت بدخشان

لغزش زمین در قریه آب باریک ولسوالی ارگوی ولایت بدخشان به حادثه طبیعی هولناکی مبدل گشته و در این فصل بهار که طبیعت زندگی و شادابی می آفریند برای باشندگان کلبه نشین این قریه مرگ و نیستی به ارمغان آورد. ظاهراً مسأله اینگونه به نظر می رسد که حوادث لجام گسیخته طبیعی از کسی فرمان نمی برد و انتخاب قربانیانش هم تصادفی است. ولی نقطه مشترک همه این "تصادفات" چه در کشور فقیر افغانستان یا در امریکا، این است که قربانیان اکثراً به پائینترین طبقات اجتماعی تعلق می گیرند. قربانیان انسانهای بی بضاعتی اند که شرایط نا هنجار زندگی انتخاب زیست در محل هائی که در معرض چنین حوادثی اند، را بر آنها تحمیل کرده است. از اینجا می شود، نقش پای طبقات را در حوادث طبیعی به وضاحت مشاهده نمود. آنانی که از طبقات حاکم اند، در قصر های مرمرین با استاندارد های بالائی از ایمنی و استحکام زندگی می نمایند، ولی کوخ نشینانی قریه (آب باریک) با وصف مشاهده آثاری از لغزش زمین، مانند ترک برداشتن تپه های خاکی قبل از لغزش تپه ها، جای دیگری برای نقل مکان و پناهی جز کلبه های گلی شان ندارند. در پناه حمایت نیرو های امپریالیستی و غارتگر، هست و بود جامعه توسط ایادی محلی بورژوازی جهانی به یغما برده می شود. از جمله در بدخشان هزاران متر مربع زمین توسط زورمندان، قوماندان های جهادی و منصوبین دولت مزدور کزری غضب شده است. این زمین ها می توانست محل رهائش آن انسانهای محرومی باشد، که صرفاً تعلق طبقاتی شان، آنها را به کام مرگ فرو برد. اراکین ریز و درشت قدرت حاکمه ارتجاعی با برجسته کردن این نکته که حوادث طبیعی را به دلیل نداشتن وسایل پیشرفته نمی توان از قبل پیش بینی کرد، و با حواله کردن این فاجعه به مشیت و غضب الهی می کوشند تا ماهیت ارتجاعی و ضد انسانی شان را در قائل نبودن اهمیت به زندگی تهری دستان و بردگان مزدی بیوشانند. نمایندگان و سران دولت اسلامی - قومی کزری، ایستاده بر قالی هائی که احتمالاً با دستان کسانی که در زیر آوار ها له شده اند و یا هنوز جان می کنند، بافته شده باشد، با لبان متبسم عکس یادگاری می گیرند. این شیوه های برخورد تصادفی نیستند و از ماهیت نظام و تفکری نمایندگی می کند که در آن انسانها در خدمت سرمایه و سود اند و ارزش آنها متناسب به سودی که به کام نظام می ریزند، تعیین می گردد.

ابراز همدردی نمایندگان بین المللی سرمایه، از جمله امریکا، به کمک با " متحدین شان" محدود می گردد. دولت پوشالی کزری و نمایندگانش که می تواند مبالغ هنگفتی را هزینه زندگی پر تجمل وانگلی شان بنمایند، حتی از بیرون آوردن اجساد و تلاش برای نجات کسانی که زیر آوار زنده به گور شده اند، سر باز می زنند. کمک های رسیده به محل حادثه نیز نمونه ای از موجودیت امکانات کافی مادی در جهان واژگونه سرمایه داری است. به این مفهوم که امکانات

کافی موجود است ولی نقص در شیوه مدیریت و تقسیم عادلانه آن به مستحقین، می باشد. تراژیدی روستای (آب باریک)، یک بار دیگر چهره کریه و ضد انسانی ناسیونالیسم را هم از پرده بیرون انداخت. ناسیونالیستهای دو آتشه ای که هر زمان سنگ دفاع از ملیتی که به آن مربوط هستند، به سینه می زدند، عملاً نشان دادند که از چه منفعتی نمایندگی می نمایند و در کنار چه کسانی ایستاده اند.

سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان، ضمن اظهار تأثر عمیق از مرگ صد ها مرد، زن و کودک، و نابودی هست و بود شان و با اظهار همدردی عمیق با بازماندگان قربانیان این حادثه المناک، معتقد است که در صورتی که تمایل و اراده ای در قدرت حاکمه و نیرو های امپریالیستی حامی آن که این همه امکانات تکنیکی و لوژستیکی در اختیار دارند، وجود می داشت، هم می شد از این فاجعه هولناک جلوگیری کرد و هم می توانستند برای نجات جان آنهایی که زیر آوار گیر مانده اند تلاش به خرج داده و نیرو و امکانات بسیج نمایند. اما نمایندگان طبقات حاکم فقط سرمایه و امکان شان را در جایی مورد استفاده قرار می دهند که سود هنگفتی در قبال داشته باشد.

ما بر این باوریم که با نابودی نظام سرمایه داری که اساسش بر نابرابری انسانها استوار است، و با ایجاد جامعه آزاد و برابر و با برگرداندن اختیار انسانها به خود آنها، شرایط زندگی انسانی که در آن انسان از شأن و حرمتی بر خوردار باشد، می تواند فراهم گردد. اختیار انسانها زمانی می تواند به خود آنها بر گردد که نظام غیر انسانی و فلاکتبار سرمایه داری و همه ارگان هایی که نا برابری و نظام طبقاتی را توجیه کرده و مشروعیت می بخشند و برای استحکام و تداوم آن نقش بازی می کنند با دستان توانای کارگران ، به زباله دان تاریخ سپرده شوند.

زنده باد سوسیالیسم !

نابود باد حاکمیت ارتجاعی کرسی و حامیان بورژوا – امپریالیست آن !

شورای مرکزی سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

۱۴ ثور سال ۲۰۱۴